

نقد و بررسی روایات تنظیر سوره‌های قرآن با دیگر کتب آسمانی

قاسم بستانی*

عیسی محمودی مزرعوی**

چکیده

روایاتی در منابع حدیثی فریقین در رابطه با تقسیم قرآن کریم، به چهار بخش و مقایسه هر یک از این بخش‌ها با یکی از کتب آسمانی پیشین، نقل شده است. این روایات، دارای طرق متعددی بوده و با الفاظ گوناگونی نقل شده‌اند. این امر منجر به استنباط‌هایی از جمله تشابه محتوایی و موضوعی سوره‌های نامبرده با کتب آسمانی مذکور در این روایات شده است، اما وضعیت سندی و نیز محتوایی هر یک از این روایات به تنهایی و در مقایسه با یکدیگر از چه اعتباری برخوردار است؟ برداشت‌های صورت گرفته از این روایات تا چه اندازه، صحیح و قابل قبول است؟ این تحقیق که به روش «توصیفی - تحلیلی» و به صورت «کتابخانه‌ای» انجام گرفته است، در صدد پاسخ به پرسش‌های بالا است و بر آن است تا مشخص کند که روایات مورد بحث، هر یک به تنهایی از نظر محتوایی قابل دفاع نبوده و در مقایسه با یکدیگر، متعارض هستند. این روایات، ضمن اینکه از حیث سند، عموماً ضعیف هستند، برداشت‌های موجود از آنها نیز صحیح نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات تنظیر، سبع طوال، مئین، مثنی، تورات، انجیل، زبور.

* دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)؛ gboostanee@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران؛ maahmoodi1361@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعات پژوهشی در قرآن کریم میان دانشمندان اسلامی، تحقیق و بررسی در روایاتی است که به مقایسه بعضی سوره‌های قرآن و کتب آسمانی پیشین می‌پردازد. این روایات، با سندهای گوناگون خود، هم در منابع روایی اهل سنت و هم نزد شیعه یافت می‌شوند؛ روایاتی که با الفاظ و عبارات متفاوتی نقل شده‌اند، زمینه انواع برداشت محتوایی را فراهم کرده‌اند؛ اما تشخیص چگونگی اعتبار سندی روایات و صحت متن آنها و نیز تعیین میزان سازگاری این برداشت‌ها از روایات، سؤالاتی است که باید به آنها پاسخ داده شود. پرواضح است که اهمیت رابطه قرآن و کتب آسمانی پیشین، با توجه به این روایات، پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

از سویی پژوهش‌های نگاشته شده با محوریت این روایات، معمولاً بیشتر ناظر به تقسیمات سوره‌های قرآن و بحث‌هایی همچون ترتیب سوره‌ها و بررسی اقتباس قرآن از کتب عهدین است؛ مانند: «*ریزایی روایات تقسیمات چهارگانه قرآن*» از بتول احمدی، سهیلا پیروزفر و عباس اسماعیلی‌زاده، که ناظر به تقسیمات سوره‌های قرآن است؛ همچنین «*اقتباس قرآن از تورات*» از علی نصیری و محمدحسین مدبر، با موضوع بررسی تشابه و یا عدم تشابه محتوایی در بین قرآن و تورات؛ «*اقتباس قصص قرآن از عهدین*» از علیرضا حیدری، محمدرضا ضمیری و محمدعلی رضایی اصفهانی، ناظر به بررسی تشابه داستان‌ها و قصص قرآن کریم و کتب عهدین؛ «*تحزیب و تجزیه قرآن*» از حمیدرضا مستفید؛ اما این مقالات، تنها به بررسی اجمالی این روایات پرداخته‌اند و هیچ‌کدام از آنها به‌طور دقیق، به جمع‌آوری کلیه طرق و اختلاف الفاظ آنها نپرداخته و سند همه آنها را جداگانه بررسی نکرده‌اند؛ همچنین

در زمینه اختلاف، تفاوت، جابه‌جایی و تعارض الفاظ روایات هم بحث تفصیلی انجام نگرفته است.

در این مقاله سعی بر آن است که اولاً، همه طرق نقل روایات از صحابه متعدد، از لحاظ سندی، بررسی شود؛ ثانیاً، به اختلاف الفاظ روایات به‌طور تفصیلی پرداخته شود و یافته‌ها و نتیجه‌های مبتنی بر این بررسی‌ها ذکر گردد؛ ثالثاً، برداشت‌ها از محتوای روایات، در نهایت، تحلیل و بررسی شوند.

۱. ارزیابی روایات تنظیری

در این بخش، قصد بر آن است تا ابتدا متن ۲۲ روایت متفاوت از لحاظ سندی و سپس از نظر تفاوت‌ها و اختلافات متنی، بررسی گردد. در آخر نیز به بررسی دلالتی و برداشت‌های گوناگون از این روایت‌ها پرداخته شده است. لازم به ذکر است ترتیب روایات بر مبنای قدمت منابع، صورت گرفته است.

روایات

♦ **روایت اول:** «أُعْطِیْتُ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ وَمَكَانَ الزَّبُورِ الْمِثْنِ وَمَكَانَ الْإِنْجِيلِ الْمَثْنِیَّ وَفُضِّلْتُ بِالْمُفْصَلِ».

این روایت به طرق ذیل نقل شده است:

۱. ابو داود (طیالسی) از عمران (القَطَّان) از قتاده از ابی‌ملیح از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (طیالسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱).

در سند فوق، عمران (القَطَّانُ أَبُو الْعَوَّامِ)، مورد اختلاف رجالی بوده و برخی وی را «توثیق» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۲۴۳ و ابن‌شاهین، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۲) و برخی دیگر، «تضعیف» کرده‌اند (ابن‌معین، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۱۵۷ و نسایی، ۱۳۹۶ق، ص ۸۵ و عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰۰). بقیه راویان، توثیق شده‌اند. در نهایت، صحت این روایت به دلیل اختلاف نظر پیرامون عمران القَطَّان، از نظر سندی، مورد شک و تردید است.

۲. ابن حنبل از سلیمان بن داود طیالسی از عمران القطان از قتاده از ابی ملیح هذلی از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۸، ص ۱۸۸).

سند فوق نیز با یک راوی اضافه شده در ابتدای سند، مشابه با سند روایت قبلی است و به دلیل اختلاف نظر پیرامون عمران القطان، از نظر سندی، شک و تردید در آن وجود دارد.

۳. محمد بن جریر (طبری) از محمد بن بشار از ابوداود طیالسی از ابو عوام (القطان) از قتاده از ابی ملیح از واثله از پیامبر ﷺ (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰).

این همان سند اول، با دو راوی اضافه در ابتدای سند است، که صحت آن به دلیل اختلاف نظر پیرامون ابو عوام (عمران القطان)، مورد شک و تردید است.

۴. محمد بن جریر (طبری) از محمد بن خلف عسقلانی از روّاد بن جراح از سعید بن بشیر از قتاده از ابی ملیح از واثله از پیامبر ﷺ (همان).

در شخصیت رجالی روّاد بن الجراح عسقلانی (م ۲۱۱-۲۲۰ق)، رجالیون، اختلاف کرده‌اند؛ برخی وی را «توثیق» کرده (ابن معین، بی‌تا، ص ۱۱۰ و ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۲۴۶) و برخی هم وی را جزو «ضعفاء» به‌شمار آورده‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۸ و نسایی، ۱۳۹۶ق، ص ۴۰ و ذهبی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۳۹).

سعید بن بشیر (ابو عبدالرحمان ازدی) نیز دارای «سوءحافظه» (بخاری، ۱۳۹۶ق، ص ۴۹) و «فاحش الخطاء» بوده (ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۳۱۹) و از قتاده «احادیث منکری» روایت کرده است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۴، ص ۷)؛ اگرچه برخی وی را جزو «ثقات» آورده‌اند (ابن شاهین، ۱۴۰۴ق، ص ۹۷)، اما بیشتر رجالیون، وی را جزو «ضعفا» ذکر کرده‌اند (ابن معین، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۹۴ و همو، بی‌تا، ص ۵۰ و نسایی، ۱۳۹۶ق، ص ۵۲ و عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۰).

در نهایت، این سند به دلیل اختلاف نظر رجالی، پیرامون روّاد بن جراح و تضعیف سعید بن بشیر، ضعیف شمرده می‌شود.

۵. سلیمان بن احمد (طبرانی) از احمد بن مُعلی دمشقی از هشام بن عمار از محمد بن

شعیب بن شایبور از سعید بن بشیر از قتاده از ابی ملیح از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (طبرانی، بی تا، ج ۲۲، ص ۷۶).

این سند، در سه راوی - از قتاده به بعد - با طریق اول، مشترک است و به سبب وجود افراد ضعیفی مانند سعید بن بشیر، «ضعیف» می باشد.

♦ **روایت دوم:** «أُعْطِيَ السَّعَ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَأُعْطِيَ الْمِثْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيَ الْمَثَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ، وَفُضِّلْتُ بِالْمُفَصَّلِ».

این حدیث به دو سند زیر مشاهده شده است:

۱. محمد بن ایوب (ابن ضریس) از العباس بن الولید از یزید (بن زریع) از سعید (بنابی عروبه) از قتاده از صاحب لُنا از أبو جلد از پیامبر ﷺ (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق، ص ۷۴).

این طریق، علاوه بر «ضعف» سعید بن بشیر - که پیشتر ذکر شد - به دلیل مشخص نبودن فرد راوی از ابوالجلد، ضعیف است.

۲. محمد بن جریر (طبری) از یعقوب بن ابراهیم از ابن علیّه از خالد الحذاء از ابی قلابه از پیامبر ﷺ (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰).

ابوقلابه (عبدالله بن زید جرمی) از تابعان مشهور است که او را از اهل تدلیس، شمرده اند (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۴۲۶ و ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۱)؛ در نتیجه، سند این روایت به دلیل وجود ابوقلابه که تابعی بوده و واسطه وی تا پیامبر ﷺ، مشخص نمی باشد، مرسل و ضعیف است.

♦ **روایت سوم:** «أَعْطَانِي رَبِّي مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ الطَّوَلَ وَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ الْمَثَانِي وَ مَكَانَ الزَّبُورِ الْمِثْنِ وَ فَضَّلَنِي رَبِّي بِالْمُفَصَّلِ».

این حدیث به طریق ذیل آمده است:

محمد بن جریر (طبری) از ابو عبید و صابی از محمد بن حفص از ابو حمید از فزاری از لیث بن ابی سلیم از ابی بُرده از ابی ملیح از واثله بن الأسقع از پیامبر ﷺ (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰).

قابل ذکر است که نام ابو عیید و صابی - یا اوصابی - در منابع رجالی به طور خاص، نیامده، بلکه برخی از این منابع، وی را همان محمد بن حفص دانسته‌اند (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰، پاورقی شماره ۲ و سودونی حنفی، ۱۴۳۲ق، ج ۸، ص ۲۵۶)، که تضعیف شده است (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰، پاورقی شماره ۲ و ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۷، ص ۲۳۷ و ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۵۲۶). علاوه بر آن، در این سند، ابو حمید و فزاری همان گونه که بعضی یاد کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰، پاورقی شماره ۲)، شناخته شده نیستند. البته درباره فزاری می‌توان گفت که شاید وی ابراهیم بن محمد، ابواسحاق فزاری باشد که از لیث بن ابی سلیم روایت کرده و توثیق شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۳۹ و ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۶، ص ۲۳). لیث بن ابی سلیم (بن زنیاموی)، هم «توثیق» (عجلی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۹ و ابن شاهین، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۶) و هم «تضعیف» شده (ابن معین، بی‌تا، ص ۱۵۸ و نسایی، ۱۳۹۶ق، ص ۹۰ و عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴) و در آخر عمر «مختلط» گردیده و به همین دلیل، رجالیون و محدثان بزرگی همچون یحیی القطان، عبدالرحمن بن مهدی، احمد بن حنبل و یحیی بن معین وی را ترک کرده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۲۳۱). اگرچه سند این روایت از ابی ملیح تا آخر سند، با روایات پیشین، مشترک است؛ اما این روایت، با متن فوق، از نظر سندی ضعیف می‌باشد.

♦ **روایت چهارم:** «الطُّوَلُ كَالْتَوْرَاهِ وَالْمِثُونُ كَالْإِنْجِيلِ وَالْمَثَانِي كَالزَّبُورِ وَ سَائِرُ الْقُرْآنِ بَعْدُ فَضِّلْ عَلَى الْكُتُبِ».

سند این حدیث عبارتست از:

محمد بن جریر (طبری) از محمد بن حمید از حَکَّام بن سَلَم از عمرو بن ابی قیس از عاصم (بن ابی النجود) از مُسَيَّب (بن رافع اسدی) از ابن مسعود (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱).
مُسَيَّب بن رافع اسدی، تابعی و ثقة است؛ ولی با ابن مسعود ملاقات نکرده، و روایات وی بیشتر از ابن مجاهد و همانند وی می‌باشد (ابن ابی حاتم، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۷ و

ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳، ضمن اینکه این روایت به ابن مسعود، ختم می‌شود و «موقوف» است.

♦ **روایت پنجم:** «آتَانِي رَبِّي السَّبْعَ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَاهِ وَالْمِثْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَفُضِّلْتُ بِالْمُفَصَّلِ».

این حدیث به دو طریق زیر نقل شده است:

۱. سلیمان بن احمد (طبرانی) از محمد بن عثمان بن ابی شیبہ از احمد بن یونس از فضیل بن عیاض از لیث از ابی بردہ از ابی ملیح از ابی امامہ از پیامبر ﷺ (طبرانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۵۸).

این سند، در سه راوی از لیث بن ابی سلیم تا ابی ملیح با سند حدیث سه، مشترک می‌باشد. در این سند، همچنین محمد بن عثمان بن ابی شیبہ را بعضی «توثیق» (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۲۱ و همو، ۲۰۰۳م، ج ۶، ص ۱۰۳۶)، و بعضی «تضعیف» (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۶۴۲ و جمعی از مولفین، ۲۰۰۱م، ج ۲، ص ۶۰۳) کرده‌اند. احمد بن یونس نیز، بین چند اسم، مشترک است؛ اما کسی که گفته شده که با فضیل بن عیاض ملاقات کرده، احمد بن یونس (بن المسیب بن زهیر) می‌باشد که توثیق شده است (ابن منظور، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۳۱ و ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۶، ص ۲۸۳). ابوامامه از اسامی مشترک بین صحابه پیامبر ﷺ می‌باشد که از جمله آنان، ابوامامه بن سهل انصاری (اسعد بن زرارہ خزرجی)، ابوامامه باهلی و ابوامامه بن ثعلبه انصاری است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۶)، اما در این باره باید گفت که ابوامامه بن سهل انصاری در زمان پیامبر ﷺ به دنیا آمده، اما سمعی از آن حضرت، نداشته و هر چه از ایشان نقل می‌کند، «مرسل» است (علائی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۴). ابوامامه بن ثعلبه انصاری نیز در زمان پیامبر ﷺ وفات یافته است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷)؛ بنابراین به نظر می‌رسد فرد مورد نظر در این روایت، ابوامامه باهلی باشد که روایات زیادی از پیامبر ﷺ نقل کرده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۳۵۹). اگرچه سند این روایت با سند روایت سوم از لیث بن ابی سلیم

الی آخر، مشترک است، اما صحت سند این روایت با متن فوق، به دلیل اختلاف نظر رجالی پیرامون لیث بن ابی سلیم و محمد بن عثمان بن ابی شیبه، قابل اطمینان نبوده و دچار شک و تردید است.

۲. سلیمان بن احمد (طبرانی) از محمد بن اسحاق بن راهویه از پدرش از جریر (بن عبد الحمید) از لیث از ابی بردة از ابی ملیح بن أسامه از ابی أمامه از پیامبر ﷺ (طبرانی، بی تا، ج ۸، ص ۲۵۸).

این سند نیز با وجود چهار راوی از لیث بن ابی سلیم تا آخر سند، با طریق قبلی مشترک بوده و صحت آن به دلیل اختلاف نظر پیرامون توثیق یا تضعیف لیث بن ابی سلیم، دچار شک و تردید است.

♦ **روایت ششم:** «أُعْطِيَ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ وَأُعْطِيَ مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَثَانِي وَفُضِّلْتُ بِالْمُقْصَلِ».

این حدیث به دو طریق زیر نقل شده است:

۱. سلیمان بن احمد (طبرانی) از یوسف القاضی از عمرو بن مرزوق از عمران القطان از قتاده عن ابی ملیح از واثله از پیامبر ﷺ (همان، ج ۲۲، ص ۷۵).
۲. همان سند قبلی است؛ اما به جای یوسف القاضی، حسن بن سهل مجوز بصری آمده است (همان).

سند این دو طریق، در چهار راوی از عمران القطان به بعد، با طریق اول حدیث اول، مشترک و به سبب وجود افراد تضعیف شده‌ای مانند عمران بن قطن و قتاده، «ضعیف» می‌باشد.

♦ **روایت هفتم:** «لَقَدْ أُعْطِيَ السَّبْعَ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَالْمَثَانِي مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَفُضِّلْتُ بِالْمُقْصَلِ».

این روایت به طرق سه گانه زیر آمده است:

۱. سلیمان بن احمد (طبرانی) از ذاکر بن موسی بن شیبّه از رَوّاد بن جراح از سعید بن بشیر از قتاده از ابی ملیح از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۲).

این سند در سه راوی - از قتاده به بعد - با طریق اول حدیث یک و در چهار راوی - از سعید بن بشیر به بعد - با طریق پنجم حدیث یک و در پنج راوی - از رواد بن الجراح به بعد - با طریق چهارم حدیث یک مشترک است. در این سند علاوه بر رواد بن الجراح و سعید بن بشیر، ذاکر بن موسی بن شیبّه نیز تضعیف شده است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۳۲ و منصوری، بی تا، ص ۳۰۸)، در نتیجه، روایت و متن، از حیث سند، ضعیف می باشد.

۲. سلیمان بن احمد (طبرانی) از احمد بن مسعود مقدسی از عمرو بن ابی سلمه از سعید بن بشیر از قتاده از ابی ملیح از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۲).

این سند، در چهار راوی - از سعید بن بشیر به بعد - با طریق اول همین روایت مشترک است و در آن علاوه بر سعید بن بشیر، عمرو بن ابی سلمه (ابو حفص تیسلی) نیز را اگرچه برخی جزو ثقات ذکر کرده اند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۴۸۲)، اما برخی دیگر وی را تضعیف کرده اند (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۷۲ و ذهبی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۰۳) و نیز گفته شده به حدیثش، احتجاج نمی شود (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ص ۲۳۶). در نتیجه این روایت با این متن از نظر سندی، ضعیف می باشد.

۳. سلیمان بن احمد (طبرانی) از الحسن بن جریر صوری از أبو الجُمَاهر (محمد بن عثمان تنوخی) از سعید بن بشیر از قتاده از ابی ملیح از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۲).

این سند در چهار راوی - از سعید بن بشیر به بعد - با طریق اول همین روایت، مشترک و به دلیل وجود سعید بن بشیر که بیشتر، تضعیف شده است، ضعیف شمرده می شود.

♦ **روایت هشتم:** «أُعْطِيَتْ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مِنَ الذِّكْرِ الْأَوَّلِ وَ أُعْطِيَتْ طَهَ وَ الطَّوَّاسِينَ وَ الْحَوَامِيمَ مِنَ الْوَاحِ مُوسَى وَ أُعْطِيَتْ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَ خَوَاتِيمُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ الْمُفْصَلِ نَافِلَهُ».

این حدیث به طریق ذیل آمده است:

محمد بن عبدالله (حاکم نیشابوری) از بکر بن محمد از عبدالصمد بن الفضل از مکی بن ابراهیم از عبیدالله بن ابی حمید از ابی ملیح، از معقل بن یسار از پیامبر ﷺ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۵۷).

در سند فوق، عبیدالله بن ابی حمید (ابو خطاب هذلی) به شدت تضعیف شده و متروک الحدیث است (نسایی، ۱۳۹۶ق، ص ۶۶ و عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۸ و ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۵۲۵)؛ در نتیجه، این سند، ضعیف است.

♦ **روایت نهم:** «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي السَّعَ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ أَعْطَانِي الْمِثْنَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ، وَ أَعْطَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَثَانِي وَ فَضَّلَنِي بِالْمُفْضَلِ».

این حدیث به دو طریق زیر نقل شده است:

۱. احمد بن محمد (ثعلبی) از شیخ ابو محمد مخلصی از ابوبکر محمد بن حمدون بن خالد از هلال بن العلاء از حجاج بن محمد از ایوب بن عتبّه از یحیی بن ابی کثیر عن شداد بن عبدالله از ابی اسماء رجبی از ثوبان از رسول الله ﷺ (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۶۸).

۲. راویان در این سند، همانند سند قبلی می باشند، فقط به جای ابوبکر محمد بن حمدون بن خالد، عبدالله بن محمد بن مسلم آمده است (همان).

در این دو سند، حجاج بن محمد مصیصی (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۴۰ و ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۲۴۶)؛ ایوب بن عتبّه یمامی (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۰ و مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۴۸۵ و ذهبی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۳) و یحیی بن ابی کثیر یمانی (نسایی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۱ و ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۴۰۲ و ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۶) تضعیف شده اند و

هلال بن علاء باهلی، هم توثیق (نسائی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۰ و ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۰۹) و هم تضعیف (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۸۳) شده است. ثوبان (نبوی) از صحابه پیامبر ﷺ می باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۵۲۷ و ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۸). ابواسماء رحبی (عمر بن مرثد، شامی) که در این سند، نام وی به رحبی تصحیف گشته، توثیق شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۴۹۲). در نهایت، سند این روایت به سبب وجود افرادی همچون یحیی بن ابی کثیر و ایوب بن عتبہ ضعیف است.

◆ **روایت دهم:** «وَأُعْطِيتُ خَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ كَانَتْ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ وَ خُصِّصَتْ بِهَا دُونَ الْأَنْبِيَاءِ فَأُعْطِيتُ الْمَثَانِي مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ الْمَائِدَةِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ الْحَوَامِيمَ مَكَانَ الزَّبُورِ وَ فَضِّلْتُ بِالْمُقْصَلِ».

این حدیث تنها به طریق زیر نقل شده است:

احمد بن عبدالله (ابونعیم) از أحمد بن السندی از حسن بن علویّه از إسماعیل بن عیسی از إسحاق بن بشر از عثمان بن عطاء خراسانی از پدرش از ابن عباس از پیامبر ﷺ (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ص ۶۵).

در این سند، اسحاق بن بشر کاهلی (ابوحذیفه بخاری) تضعیف شده (ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۳۵)، دروغگو، متروک (دارقطنی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۵۷) و منکر الحدیث (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۸) است. عثمان بن عطاء خراسانی نیز تضعیف شده (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۱۰ و ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۹۰ و ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۴۸) و احتجاج به روایاتش جایز نیست (ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۱۰۰) در نتیجه، این سند، ضعیف است.

◆ **روایت یازدهم:** «وَأُعْطِيتُ خَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ كَانَتْ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ وَ خُصِّصَتْ بِهَا دُونَ الْأَنْبِيَاءِ فَأُعْطِيتُ الْمَثَانِي مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ الْمِثْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ الْحَوَامِيمَ مَكَانَ الزَّبُورِ وَ فَضِّلْتُ بِالْمُقْصَلِ».

این حدیث از ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل شده است (زرقانی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۱۶) و روایتی مرسل و ضعیف است.

♦ **روایت دوازدهم:** قال: «أُعْطِيتُ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ الطُّوَالَ وَأُعْطِيتُ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ الْمُنِينَ وَأُعْطِيتُ مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَثَانِي وَأُعْطِيتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَخَوَاتِيمَ الْبَقَرَةِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ لَمْ يُعْطِهَا نَبِيٌّ قَبْلِي وَأَعْطَانِي رَبِّي الْمُقْصَلَ نَافِلَهُ».

این حدیث تنها به طریق زیر نقل شده است:

حسین بن مسعود (بغوی) از عبدالواحد ملیحی از ابو منصور سمعانی از ابوجعفر زیاتی از حمید بن زنجویه از ابویوب دمشقی از سعدان بن یحیی از عبدالله بن ابی حمید از ابی ملیح هذلی از واثله بن اسقع از پیامبر ﷺ (بغوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱).

این سند در دو راوی - عبدالله بن ابی حمید و ابی ملیح - با سند حدیث هشتم، مشترک است و در آن ابوجعفر زیاتی وجود دارد که در حقیقت، تصحیف ربانی (ابوجعفر محمد بن احمد) و موثق است (منصوری، بی تا، ص ۵۸۲ و ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۴۳۳). در مورد ابو ایوب دمشقی باید گفت که در بین راویان، دو فرد با این نام وجود دارند که یکی از آنها سلیمان بن حبیب محاربی است که توثیق شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۰۹) و دومی سلیمان بن عبدالرحمان بن شرحبیل است که از یحیی بن سعدان روایت کرده (کلاباذی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۴) و توثیق شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷ و همو، ۲۰۰۳م، ج ۵، ص ۸۳۳).

نام عبدالله بن ابی حمید در منابع رجالی یافت نشد و شاید وی همان عبیدالله بن ابی حمید باشد که از ابو ملیح روایت کرده و در بررسی سند روایات قبلی مشخص شد که وی به شدت تضعیف شده است. سعدان بن یحیی (ابن صالح لخمی) که در واقع نام وی سعید بوده و سعدان لقب او است (کلاباذی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۵) هم توثیق (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۶، ص ۳۷۴) و هم تضعیف شده است (ذهبی، ۲۰۰۳م، ج ۴، ص ۸۵۶). در نهایت، سند این روایت به دلیل تضعیف عبیدالله بن ابی حمید، ضعیف است.

◆ **روایت سیزدهم:** «أُعْطِيَتْ السُّورَةُ الَّتِي تُذَكِّرُ فِيهَا الْبَقَرَةَ مِنَ الذِّكْرِ الْأَوَّلِ وَ أُعْطِيَتْ طُهُ وَ طِسْمٌ مِنَ الْأَوَاحِ مُوسَى وَ أُعْطِيَتْ فَوَاتِحُ الْقُرْآنِ وَ خَوَاتِيمُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ أُعْطِيَتْ الْمُفَصَّلُ نَافِلَهُ».

این حدیث به طریق زیر نقل شده است:

از ابن عباس از پیامبر ﷺ (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۸۷)؛ که روایتی مرسل و در نهایت، ضعیف است.

◆ **روایت چهاردهم:** «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ أَعْطَانِي الْمُبِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ أَعْطَانِي الطُّوَاسِينَ مَكَانَ الزَّبُورِ وَ فَضَّلَنِي بِالْحَوَامِيمِ وَ الْمُفَصَّلَ مَا قَرَأَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي».

این حدیث از براء بن عازب از پیامبر ﷺ نقل شده است (همان) که روایتی مرسل و ضعیف است.

◆ **روایت پانزدهم:** «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ أَعْطَانِي الْمَصَّ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ أَعْطَانِي الطُّوَاسِينَ مَكَانَ الزَّبُورِ وَ فَضَّلَنِي بِالْحَوَامِيمِ وَ الْمُفَصَّلَ مَا قَرَأَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي».

این حدیث از براء بن عازب از پیامبر ﷺ نقل شده است (نوی جاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴۲) که روایتی مرسل و ضعیف است.

◆ **روایت شانزدهم:** «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ أَعْطَانِي الْمَثِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ أَعْطَانِي الطُّوَاسِينَ مَكَانَ الزَّبُورِ وَ فَضَّلَنِي بِالْحَوَامِيمِ وَ الْمُفَصَّلَ مَا قَرَأَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي».

این حدیث از براء بن عازب از پیامبر ﷺ نقل شده است (مراغی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۴) که روایتی مرسل و ضعیف است.

◆ **روایت هفدهم:** «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَعْطَانِي السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَ أَعْطَانِي الْمَثِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَ أَعْطَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَثَانِي وَ فَضَّلَنِي رَبِّي بِالْمُفَصَّلِ».

این حدیث به نقل از ثوبان از پیامبر ﷺ است (خازن، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۷۳) بنابراین، مرسل و ضعیف می‌باشد.

♦ **روایت هجدهم:** «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَانِي السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَاهُ وَأَعْطَانِي الرَّاءَاتِ إِلَى الطَّوَّاسِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأَعْطَانِي مَا بَيْنَ الطَّوَّاسِينَ إِلَى الْحَوَامِيمِ مَكَانَ الزَّبُورِ وَفَضَّلَنِي بِالْحَوَامِيمِ وَالْمُفَصَّلَ مَا قَرَأَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي».

این حدیث به نقل از محمد بن نصر و ابن مردویه از آنس بن مالک از پیامبر ﷺ می‌باشد (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۵۰ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۲۹۴) به طور مرسل گزارش شده و در نتیجه از حیث سند، ضعیف است.

♦ **روایت نوزدهم:** «أُعْطِيتُ السَّبْعَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَاهُ وَأُعْطِيتُ الْمَثْنَيْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ، وَأُعْطِيتُ الْمَثْنَيْنِ مَكَانَ الزَّبُورِ وَأُعْطِيتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَخَوَاتِمَ الْبَقَرَةِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ وَطَهَ وَالطَّوَّاسِينَ مِنَ الْأَوَاحِ مُوسَى وَفُصِّلَتْ وَالْحَوَامِيمِ وَالْمُفَصَّلُ لَمْ يُعْطِهِنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي».

این حدیث از واثله از پیامبر ﷺ گزارش شده (شوشاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷) و مرسل و ضعیف است.

♦ **روایت بیستم:** قال: «أُوتِيَ مُوسَى الْأَوَاحَ، وَأُوتِيَ الْمَثْنَيْنِ».

این حدیث که از ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل شده (طرهونی، بی‌تا، ص ۱۳)، مرسل و ضعیف است.

♦ **روایت بیست و یکم:** «أُعْطِيتُ السُّورَ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَاهُ وَأُعْطِيتُ الْمَثْنَيْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيتُ الْمَثْنَيْنِ مَكَانَ الزَّبُورِ وَفُضِّلْتُ بِالْمُفَصَّلِ ثَمَانٌ وَ سِتُونَ سُورَةً وَ هُوَ مَهْمَنْ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ وَ التَّوْرَاهُ لِمُوسَى وَ الْإِنْجِيلُ لِعِيسَى وَ الزَّبُورُ لِدَاوُدَ».

این حدیث به طرق زیر نقل شده است:

طریق اول: محمد بن مسعود (عیاشی) از سعد الإسكاف، قال: سمعت إِبْرَاهِيمَ بْنَ

یقول: قال رسول الله ﷺ (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۵).

طریق دوم: محمد بن یعقوب (کلینی) علی بن ابراهیم از صالح بن السندی از جعفر بن بشیر از سعد الاسکاف، قال: قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۰۱).

طریق اول مرسل است، چرا که طریق عیاشی از سعد الاسکاف، مشخص نیست؛ در طریق دوم، علی بن ابراهیم بن هاشم، توثیق شده است (ابن داود حلی، ۱۳۴۲، ص ۲۳۷).

سعد الاسکاف (سعد بن طریف) را برخی ضعیف (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ص ۶۴ و حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۶) و برخی صحیح الحدیث دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵)؛ همچنان که خویی، بعد از نقل تضعیف ابن غضائری درباره سعد الاسکاف و اینکه وی ناووسی بوده و بر امام صادق علیه السلام، وقف کرده است، می‌گوید: ظاهر سخن شیخ، مبنی بر صحیح الحدیث بودن سعد الاسکاف، وثاقت وی را می‌رساند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۷۲). جعفر بن بشیر نیز توثیق شده است (حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱). درباره صالح سندی، مدح و ذمی نقل نشده و فقط گفته شده که او دارای کتاب است (طوسی، بی‌تا، ص ۲۴۴) و اینکه او از یونس بن عبد الرحمان که موثق است روایت نقل کرده، همچنین ابراهیم بن هاشم که موثق بوده، از او روایت کرده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۸). البته به نظر برخی، صاحب کتاب بودن و نیز روایت یک شخص از افراد موثق یا روایت ثقات از او دلیلی بر موثق بودن وی نمی‌باشد (خویی، ۱۳۹۱، ص ۹۶ و ۱۰۲).

باید توجه کرد که در کتاب الکافی، روایت سعد الاسکاف از پیامبر ﷺ، بدون واسطه نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۰۱) که ظاهراً مرسل است، اما گفته شده که اصل روایت از امام باقر علیه السلام است؛ چرا که سعد الاسکاف از معاصران و اصحاب خاص امام باقر علیه السلام بوده و نمی‌توانسته از پیامبر ﷺ نقل حدیث کرده باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۵۱)؛ همچنان که عیاشی در سندی که ارائه می‌دهد، به نام امام باقر علیه السلام اشاره می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۵). در نهایت این سند، به سبب وجود سعد الاسکاف، ضعیف و یا حداقل موثق است. قابل ذکر است که

مجلسی اول (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳، ص ۱۱۸) این روایت را قوی و مجلسی دوم، آن را مجهول دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۱).

♦ **روایت بیست و دوم:** در نقلی طولانی آمده است: قال: «قال اليهودی: فهذا موسى بن عمران عليه السلام آتاه الله التوراه التي فيها حكم؛ قال له على السلام: لقد كان كذلك و محمد عليه السلام اعطى ما هو افضل منه، أعطى محمداً عليه السلام سورة البقره والمائده بالانجيل و طواسين و طه و نصف المفضل و الحواميم بالتوراه و أعطى نصف المفضل و التسايح بالزبور و أعطى سورة بني إسرائيل و براءه بصحف إبراهيم عليه السلام و صحف موسى عليه السلام و زاد الله عز ذكره محمداً عليه السلام السبع الطوال و فاتحه الكتاب و هي السبع المثاني و القرآن العظيم و أعطى الكتاب والحكمه» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۳۴).

این حدیث از موسی بن جعفر علیه السلام، از پدرش، از پدرانش، از حسین بن علی علیه السلام نقل شده و مرسل می‌باشد.

۲. نقد احادیث تنظیر از حیث متن

روایات دال بر «تنظیر و مقایسه سوره‌های قرآن با کتب آسمانی پیشین» از جمله روایاتی است که با انواع عبارت‌ها گزارش شده و این موضوع، نشان دهنده شدت اضطراب در متن این روایات می‌باشد. برای بررسی این اضطراب متنی، روایت ذکر شده در طریق اول حدیث اول^۱، به جهت قدیمی‌ترین اثر، به عنوان روایت معیار در نظر گرفته شده و تفاوت‌های لفظی دیگر روایات منقول و مشابه، نسبت به آن بررسی می‌شود.

انواع اختلاف در الفاظ احادیث دیگر، به شکل زیر است:

۲-۱. زیاده و نقصان در الفاظ احادیث

در بعضی از روایات نقل شده در این باب نسبت به روایت اول یا نسبت به دیگر روایات، زیادت و نقصان در الفاظ آنها مشاهده می‌شود؛ مانند:

۱. «أُعْطِيَ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعُ وَمَكَانَ الزَّبُورِ الْمِثْنَيْنِ وَمَكَانَ الْإِنْجِيلِ الْمَثَانِي وَفُضِّلَتْ بِالْمُفَصَّلِ».

۱. اضافه لفظ «الطَّوَالَ» یا «الطَّوَلَّ» بعد از لفظ «السَّعَّ» در بیشتر روایات؛
 ۲. عدم ذکر «المَّثَانِي» و «الزُّبُور» در روایت پنجم؛
 ۳. عدم ذکر «الْمِثْنِي» و «الْإِنْجِيل» در روایت ششم؛
 ۴. فزونی لفظ «لَقَدْ» قبل از «أُعْطِيَتْ» در روایت هفتم و عدم ذکر «الْمِثْنِي» و «الزُّبُور» در همین روایت؛
 ۵. اضافه عبارت «أُعْطِيَتْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ خَوَاتِمِ الْبَقَرَةِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» و لفظ «نَافِلَةً» بعد از «الْمُفَصَّلِ»، به عنوان صفتی برای آن و نیز عبارت «لَمْ يُعْطِهَا نَبِيٌّ قَبْلِي» در روایت دوازدهم؛
 ۶. اضافه عبارات «وَأُعْطِيَتْ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَ خَوَاتِمِ الْبَقَرَةِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ طَهُ وَ الطَّوَّاسِينَ مِنَ الْوَاحِ مُوسَى» و «فُضِّلَتْ وَ الْحَوَامِيمِ» و عبارت «لَمْ يُعْطِهَا نَبِيٌّ قَبْلِي» در روایت نوزدهم؛
 ۷. اضافه عبارت «وَفُضِّلَتْ بِالْمُفَصَّلِ ثَمَانٌ وَ سِتُونَ سُورَةً وَ هُوَ مُهَيَّمٌ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ وَ التَّوْرَةِ لِمُوسَى وَ الْإِنْجِيلِ لِعِيسَى وَ الزُّبُورِ لِدَاوُدَ» در روایت بیست و یکم.
- ۲-۲. تفاوت در الفاظ احادیث
- در نقل روایات مربوطه، تفاوت های بسیار لفظی، نسبت به روایت نخست، مشاهده می گردد؛ مانند:
- آمدن لفظ «أَعْطَانِي رَبِّي» به جای «أُعْطِيَتْ» و «فَضَّلَنِي رَبِّي» به جای «فُضِّلَتْ» در روایت سوم؛
 - آمدن لفظ «آتَانِي رَبِّي» بجای «أُعْطِيَتْ» در روایت پنجم؛
 - آمدن عبارت «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي» به جای «أُعْطِيَتْ» در روایت نهم؛
 - تفاوت در عبارت های «الْمِثْنِي مَكَانَ الْإِنْجِيلِ» و «الْمَائِدَةِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ» در الفاظ روایات دهم و یازدهم نسبت به یکدیگر؛

– آمدن عبارت «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي» به جای لفظ «أُعْطِيتُ» و «الْمُبِين» به جای «الْمِثْن» و «الطَّوَّاسِين» به جای «الْمَثَانِي» در روایت چهاردهم؛

– تفاوت در عبارت‌های «الْمِثْن مَكَانَ الْإِنْجِيل» و «المص مَكَانَ الْإِنْجِيل» و «الْمُبِين مَكَانَ الْإِنْجِيل» در الفاظ روایت‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم نسبت به یکدیگر؛

– آمدن عبارت «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَعْطَانِي» به جای لفظ «أُعْطِيتُ» و لفظ «الْمِثْن» به جای «الْمِثْن» در روایت هفدهم؛

– آمدن عبارت «أَعْطَانِي الرَّاءَاتِ إِلَى الطَّوَّاسِين» به جای «الْمَثَانِي» و «أَعْطَانِي مَا بَيْنَ الطَّوَّاسِينِ إِلَى الْحَوَامِيمِ» به جای «الْمِثْن» در روایت هجدهم؛

– آمدن عبارت «السُّورَ الطَّوَّالَ»، به جای عبارت «السَّعَ الطَّوَّالَ» در روایت بیست و یکم.

موارد ذکر شده به غیر از روایاتی است که الفاظ آنها به طور کلی با الفاظ روایت نخست و یا روایات دیگر تفاوت دارند؛ مانند: روایات ۴، ۸، ۱۳، ۲۰ و ۲۲. همچنان که ظاهراً برخی الفاظ این روایات به الفاظ دیگری تصحیف شده‌اند، مانند تصحیف الفاظ «الْمِثْن» به «الْمُبِين» و «المص» در روایات ۱۴، ۱۵ و ۱۶ و نیز تصحیف لفظ «الْمِثْن» به «الْمِثْن» در روایت هفدهم.

همچنین در بیشتر روایات نقل شده در این باب، جای الفاظ «زبور» و «انجیل» جابه‌جا شده، به این ترتیب که در روایاتی، واژه «انجیل» به جای «الْمِثْن» آمده و در روایات دیگر، کلمه «زبور» به جای «الْمِثْن» ذکر شده است و برعکس؛ در بعضی از این روایات، «انجیل» به جای «مثنی» آورده شده و در روایات دیگر، «زبور» به جای «مثنی» ذکر شده است؛ مانند روایات ۱، ۲، ۳ و ۹.

۲-۳. تعارض در مدلول عبارت بر حسب تفاوت در الفاظ و جملات احادیث

تفاوت در الفاظ این روایات، باعث اختلاف در مدلول احادیث از حیث سوره‌هایی شده که بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ برای مثال:

در روایات ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از براء، «أَعْطَانِي الطَّوَّاسِينَ مَكَانَ الزُّبُورِ» است که با احادیث «أَعْطَانِي الْمَثَانِي مَكَانَ الزُّبُورِ»، و در روایت ۱۵ از براء، «أَعْطَانِي الْمَصَّ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ» با احادیث «أَعْطَانِي الْمِثْنَيْنِ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ»، در تعارض است. علاوه بر موارد پیش گفته، برخی احادیث، دچار اشکال متنی نیز هستند؛ از جمله:

در حدیث ۱۹ از واثله، یک‌بار «أُعْطِيتُ السَّبْعَ الطِّوَالِ مَكَانَ التَّوْرَاهُ» آمده است و در ادامه حدیث «أُعْطِيتُ طَهُ وَ الطَّوَّاسِينَ مِنَ الْوَحِّ مُوسَى» آورده شده است؛ که این موضوع باعث تفاوت‌گذاری بین الواح موسی و تورات شده، در حالی که ظاهراً الواح، بخشی از تورات است؛ لذا هنگام ذکر تورات در ابتدا، نیازی به ذکر الواح نبوده است.

در حدیث ۲۰ از ابن عباس، آمده است: «عَنِ النَّبِيِّ، قَالَ: أُوتِيَ مُوسَى الْأَلْوَحَ وَأُوتِيَتْ الْمَثَانِي»، که با دیگر روایات، به طور کلی متعارض است و از دیگر اجزای قرآن، نام نبرده است.

۳. ارزیابی کلی روایات از لحاظ سندی

بررسی‌های رجال و سندی روایات مقایسه سوره‌های قرآن با کتب آسمانی پیشین، نشان داد که هیچ‌کدام از سندهای روایات، صحیح و یا حتی «حسن» نیستند و عموماً ضعیف می‌باشند. همان‌گونه که مشاهده شد بعضی از روایات، علاوه بر ضعف راویان، از نظر سندی هم دچار مشکلاتی مانند ارسال و انقطاع هستند.

البته برخی برآنند که به علت کثرت روایات در این زمینه می‌توان به صحت این روایات حکم کرد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۵۱).

اما در این باره باید گفت که:

- کثرت روایات در یک موضوع، ملاک صحت سندی همه آنها نیست و اهمیت موضوع، بررسی تک‌تک سندها را ایجاب می‌کند؛ چرا که یک روایت، ممکن است فقط در بین راویان، شهرت داشته و اصلاً هیچ پایه و اساسی نداشته باشد (نفیسی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳).

– کثرت روایات وقتی ضعف اسناد را جبران می‌کند که به حد تواتر برسد؛ در حالی که چنین امری در این موضوع، روی نداده است.

– درست است که این روایات، در *مسند ابی‌داوود طیالسی* و *مسند احمد بن حنبل* به عنوان قدیمی‌ترین گزارش‌کنندگان روایات آمده است؛ ولی در نوشته‌ها و کتب نگاشته شده قبل از آنها مانند *الموطأ* از مالک، *صحیفه* نوشته همام بن منبه، *صحیفه* از علی بن ابی‌طلحه، *والبی* از ابن عباس و غیره؛ همچنین کتبی که تقریباً هم‌زمان با آنها نگاشته شده‌اند؛ مانند *مصنف* از ابن ابی‌شیبه، *مسند* نوشته اسحاق بن راهویه، *مسند* از ابی‌یعلی موصلی و *مصنف* تالیف عبدالرزاق صنعانی مشاهده نشده است؛ و این نشان می‌دهد که این روایات، بعداً و با انگیزه‌های مختلفی همچون کسب شهرت، غلبه در مناظرات با اهل کتاب به منظور اثبات برتری قرآن کریم نسبت به کتب آنها، کسب افتخار نقل احادیث تازه و مواردی از این دست، جعل شده‌اند. همچنان که این روایات در صحاح شش‌گانه اهل سنت نیز یافت نمی‌شود.

۴. تاریخ‌گذاری روایات

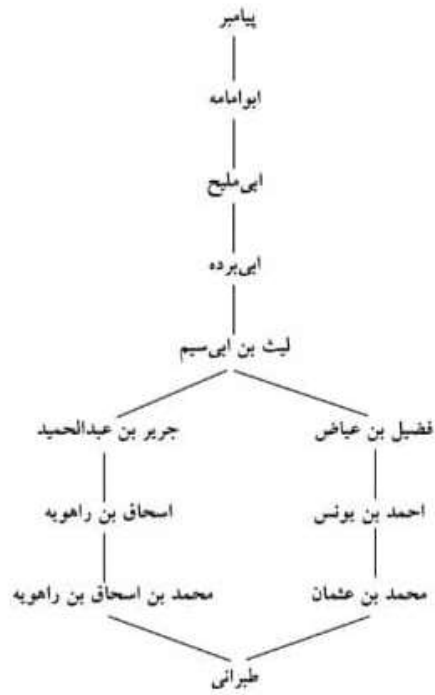
یکی از روش‌های تحلیل اسناد، مبتنی بر شناخت و یافتن حلقه مشترک اصلی^۱ و حلقه مشترک فرعی^۲ است (نیل‌ساز، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷-۱۴۹).

برای یافتن حلقه‌های مشترک اصلی و جزئی، شبکه اسناد بصری روایات تنظیم، نقل شده از واثله بن اسقع و ابوامامه و معقل بن یسار به دلیل اینکه حلقه مشترک آنها یک راوی (ابوملیح) می‌باشد، در ادامه آمده است:

۱. بسیاری از احادیث صرفاً با یک سلسله سند واحد نقل نشده‌اند، بلکه گاه چندین سند مختلف و متعدد دارند و این سندها غالباً به ناقل مشترکی در نسل سوم یا چهارم پس از پیامبر ﷺ می‌رسند. ساخت این راوی مشترک را «حلقه مشترک» نامید.

۲. مراد از حلقه مشترک فرعی، راوی است که خود شاگردانی داشته و آنها روایت را از او نقل می‌کنند.





شبکه اسناد روایات وائله و ابوامامه و معقل بن یسار، نشان می‌دهد که حلقه مشترک اصلی در سند این روایات، ابوملیح، عامر بن اسامه هذلی (م ۱۰۱-۱۱۰هـ) می‌باشد. اگر این نوع روایات، تنها با چند سند که حلقه مشترک آنها ابی ملیح می‌باشد نقل شود، می‌توان گفت که این حدیث را وی رواج داده و منشأ رواج و پدید آمدن این روایت نه در دوران پیامبر ﷺ، بلکه در دوران تابعین بوده است؛^۱ یا اینکه رواج‌دهندگان این روایت را باید در میان حلقه‌های مشترک فرعی در اسناد این روایت جستجو کرد. حلقه‌های مشترک فرعی در اسنادی که ابوملیح، حلقه مشترک اصلی آنها می‌باشد، شاگردان و راویان وی به نام‌های ابی‌برده (م ۱۰۱-۱۱۰ق)؛ قتاده (م ۱۱۱-۱۲۰ق) و عبیدالله بن ابی حمید (م ۱۵۱-۱۶۰ق) می‌باشند.

البته باید توجه کرد در صورتی می‌توان نشأت و زمان رواج روایات تنظیر را در زمان تابعین تاریخ‌گذاری کرد که این روایات تنها از طریق ابوملیح و شاگردانش نقل شده باشد؛ اما همان‌گونه که ذکر شد این روایات از راویان دیگری و با اسناد گوناگون از دیگر صحابه نیز نقل شده است و در صورت صحت اسناد این روایات، می‌توان گفت که صدور و نشأت این روایات در زمان پیامبر ﷺ بوده است.

۵. مقایسه روایات تنظیر و روایات تقسیم‌بندی چهارگانه قرآن

احادیث تنظیر، ناظر به روایاتی دال بر تقسیم‌بندی چهارگانه قرآن نیز می‌باشند که در خصوص این روایات، نظرات متفاوتی ارائه شده است. در بررسی سندی این روایات، مشخص شد که برخی از این روایات «صحیح»، برخی دیگر «حسن» و برخی دیگر «ضعیف» می‌باشند (ر.ک: احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۵۱). در خصوص مصادیق هر یک از گروه‌ها نیز اختلاف شده است؛ مثلاً گفته شده: سوره‌های سبع طوال؛ (بقره،

۱. حلقه مشترک از نظر شاخت نخستین کسی است که حدیث را رواج داده است. بدین ترتیب، این حدیث باید در بهترین حالت از زمان حلقه مشترک پدید آمده است.

آل عمران، نساء، انعام، اعراف و در سوره هفتم اختلاف است) و «المئین» یا «المئون» (سوره‌هایی که ۱۰۰ آیه یا بیشتر دارند و یا سوره‌هایی که ۱۰۰ آیه یا نزدیک به آن می‌باشند) و «المثانی» (سوره‌هایی که به دنبال سوره‌های مؤین قرار دارند) و «المفصلات» (سوره‌هایی که بعد از مثانی قرار دارند و کوتاه‌ترین سور قرآنی به شمار می‌آیند) - زیرا این نام به این دلیل بر آنها اطلاق شده که بسمله بین آنها فاصله و جدایی زیادی ایجاد کرده است - (ر.ک: همان). همچنان که در معانی این اصطلاحات و دلایل نام‌گذاری آنها اختلاف نظر بسیاری مشاهده می‌شود. در این بین بیشترین اختلاف، مربوط به سوره‌های مثانی است، زیرا که نظرات متفاوتی درباره دلیل نام‌گذاری آنها ارائه شده است. مثلاً گفته شده «مثانی» از ماده «ثنی» به معنی تکرار است، زیرا که قصص، احکام و حدود در این سوره‌ها تکرار شده و یا امثال در آنها دوبار بازگو شده، یا آیات آن در تلاوت، دوبار قرائت می‌شود (ر.ک: همان).

البته در بعضی از روایات در منابع شیعه و اهل سنت، مثانی به سوره حمد تفسیر شده است (دارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۳۹ و مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۴۸۲)؛ همچنان که پیامبر ﷺ در روایتی فرمودند:

«خداوند، سوره حمد را به من عطا فرمود که شبیه به آن در هیچ کدام از

کتاب‌های تورات و انجیل نیامده است» (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۵ و نسایی،

۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۵۱).

۶. برداشت‌های صورت‌گرفته از احادیث تنظیر و بررسی و نقد آنها

این برداشت‌ها عبارتند از:

۶-۱. فضیلت قرآن نسبت به سایر کتب آسمانی (در کثرت و معنا)

یکی از موضوعات برداشت شده از این روایات، مقایسه قرآن کریم با دیگر کتب آسمانی از نظر مقدار، محتوا و منزلت است. با توجه به روایات «تنظیر»، قرآن

طولانی‌ترین کتاب آسمانی و شامل‌ترین آنهاست (عتیبی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۳). این کتاب مبارک، نسبت به همه کتب آسمانی نازل شده قبل از خود، کامل‌تر است و منزلت آن بالاتر از منزلت آنها می‌باشد (شحد، بی‌تا، ص ۱). علمای تفسیر گفته‌اند:

«برتری قرآن نسبت به سایر کتب آسمانی - با اینکه همه آنها از جانب خداوند نازل شده‌اند - از چند وجه می‌باشد؛ که یکی از این وجوه، بیشتر بودن سوره‌های آن است. در حدیث آمده است که سوره حمد و خواتیم سوره بقره، مختص پیامبر ﷺ نازل شده است (همان).

اما در جواب باید گفت: شکی نیست که منزلت قرآن بالاتر از منزلت کتب پیشین می‌باشد؛ ولی از نظر حجم باید توجه داشت کتب آسمانی قابل دسترس در زمان نزول قرآن، همان کتب نازل شده بر پیامبران نیستند و در طول تاریخ به مرور، دچار تغییر و تحریف شده‌اند و معلوم نیست حجم اصلی این کتب چه اندازه بوده، تا با حجم قرآن، مقایسه شوند.

۶-۲. شباهت‌های قرآن با دیگر کتب آسمانی از نظر محتوایی

مقایسه سوره‌های نامبرده در روایات «تنظیر» و کتب آسمانی مذکور در این روایات، باعث برانگیختن موضوع تشابه محتوایی در بین این سوره‌ها و کتب آسمانی پیشین شده است؛ به این ترتیب ادعا شده که بررسی ساختاری و محتوایی سوره‌های سبع طوال، نشان‌دهنده تبیین مسائل اعتقادی و شرایط اجتماعی و قوانین زندگی مدنی و تعاملی است؛ در مقابل، تورات، مجموع شرایط مربوط به یک زندگی همراه با قداست است که حاوی مطالب نفی بت‌پرستی و ایمان به خدا است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶ - ۵۱). از جهتی دیگر محتوای سوره‌های «مئین»، بیان مسائل اعتقادی و معارف اخلاقی مانند معاد، توحید، توبه و تسبیح می‌باشد؛ در مقابل آن، محتوای اناجیل، بیشتر اخلاقی و اعتقادی بوده و سراسر آن پند، موعظه، هدایت مردم و

اصرار به توبه و اخلاص عمل است (همان). سوره‌های مثانی نیز حاوی مسائل اخلاقی و اعتقادی مانند: حقانیت قرآن و وحی، عظمت آن، حجیت دعوت پیامبر ﷺ و هشدارهای وی نسبت به معاد و سرانجام کافران است. «زبور» نیز مجموعه‌ای از شعر و سروده است که روحیات و رویدادهای تاریخی قوم یهود را بیان می‌کند و موضوع اصلی آن پرستش و توکل است (همان).

اما به نظر می‌رسد که نظریات مطرح شده در خصوص تشابه موضوعی و محتوایی بین سوره‌های سبع طوال، مئین، مثانی و.... ذکر شده در روایات «تنظیر»، و کتب آسمانی یاد شده در این روایات، یک موضوع تحمیلی بر قرآن کریم است که خاستگاه و منشأ آن، اعتقاد به صحت صدور این حدیث از جانب پیامبر ﷺ می‌باشد؛ اما دقت در محتوای این سوره‌ها، نشان‌دهنده این واقعیت است که ترسیم دقیقی از آنها صورت نگرفته است. در جدول زیر موضوعات بعضی از این سوره‌ها به نقل از تفسیر المیزان و با ذکر شماره جلد و صفحه مربوط به تفسیر هر سوره آمده تا مشخص شود که مسأله تشابه موضوعی و محتوایی بین مجموعه‌ای از سوره‌های قرآن و کتب آسمانی پیشین، ادعایی بیش نیست و مردود است:

گروه	موضوعات سوره‌ها
سور سبع طوال: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال و توبه	❖ لزوم ایمان بندگان به همه انبیا و کتب آنان، تخطئه کفار و منافقین و ملامت اهل کتاب، احکامی چون برگشتن قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، احکام حج و ارث و روزه (۱: ۴۳) ❖ دعوت مومنین به توحید کلمه، دعوت به وحدت و یکپارچگی و آماده‌شدن مسلمانان جهت مقابله با یهود، نصاری و مشرکین، صبر در برابر ناملایمات (۳: ۵) ❖ احکام زناشویی، احکامی از نماز، جهاد، شهادت، تجارت و غیره (۴: ۱۴۳)

گروه	موضوعات سوره‌ها
	❖ دعوت به وفای عهد، پایداری در پیمان‌ها، تهدید و تحذیر از شکست پیمان‌ها (۵: ۱۵۶) ❖ اخبار جنگ بدر، جهاد و غنائم (۵: ۹) ❖ قتال مشرکین، اهل کتاب، امور منافقین و زکات (۹: ۱۴۶)
سور مئین: یونس، یوسف، رعد، ابراهیم و...	❖ دعوت مردم برای التزام به توحید (از راه بشارت و انداز) (۵: ۱۰) ❖ ولایت خدا نسبت به بنده‌اش (۱۱: ۷۳) ❖ بیان حقیقت قرآن و معجزه بودن آن (۱۱: ۲۸۳) ❖ اوصاف قرآن نازل شده بر پیامبر^۹ (۱۲: ۵)
سور مثنی: یس، صافات، زمر، غافر و...	❖ بیان اصول سه گانه دین: توحید، نبوت و معاد (۱۷: ۶۱) ❖ احتجاج به توحید و تهدید مشرکین مخالف توحید (۱۷: ۱۱۹) ❖ مأمور بودن پیامبر به توحید و اخلاص دین (۱۷: ۲۳۰) ❖ پاسخگویی به جدال کفار (۱۷: ۳۰۱)

علاوه بر عدم ارتباط موضوعات مطرح شده در گروه‌های چهارگانه^۱ سوره‌های قرآنی با مطالب آمده در کتب پیشین ذکر شده در روایات تفسیر، برداشت‌ها از متن این روایات و نیز مقایسه‌ها بین محتوای قرآن کریم و محتوای کتب آسمانی پیشین، هم با عقل، هم با خود قرآن کریم و هم با سنت متواتره مخالف است؛ این گونه روایات از آن جهت با عقل مخالف هستند که مدلول آنها، نشان‌دهنده آن است که محتوای سوره‌هایی از قرآن که در این روایات از آنها یاد شده به جای محتوای کتب آسمانی پیشین نازل شده است؛ و تنها سوره‌های مفصلات هستند که به جای هیچ کدام از کتب آسمانی پیشین نیامده و بر آنها فزونی دارد؛ پس اگر این گونه باشد نزول بیشتر سوره‌های قرآنی، بیهوده خواهد بود و این سوره‌ها هیچ موضوع جدیدی

۱. سب طوال؛ مئین؛ مثنی؛ مفصلات.

علاوه بر آنچه در *تورات* و *انجیل* و *زبور* آمده است در بر نداشته‌اند. مسلمانان نیز جهت گرفتن احکام دینی خود که قرار بود در این سوره‌ها نازل شود، کافی بود تنها به این کتب مراجعه کنند. این روایات نیز به این دلیل با قرآن کریم مخالف هستند که خود قرآن کریم در آیات زیادی، جایگاه و منزلتی خاصی برای خود قائل بوده که برای کتب پیشین قائل نشده است؛ از جمله: آیاتی که نزول قرآن کریم و قصه‌های آمده در آن را عامل «غفلت‌زدایی از پیامبر ﷺ» معرفی کرده است (یوسف: ۳)؛ آیاتی که قرآن را عامل «نزول شفا و رحمت الهی» معرفی کرده است (اسراء: ۸۲)؛ آیاتی که قرآن را کتاب «انذار و تبلیغ» دانسته است (انعام: ۱۹)؛ آیاتی که از «عدم آوردن همانند قرآن حتی در صورت پشتیبانی انس و جن از همدیگر» خبر می‌دهد (اسراء: ۸۸) و آیات دیگری که اوصاف و خصائص قرآن را ذکر می‌کند که هیچ کدام از این اوصاف درباره کتب آسمانی پیشین ذکر نشده است؛ اما این روایات از جهتی با سنت و روایات دیگر نیز مخالف است؛ زیرا همان گونه که در بخش مربوط به مصادیق مثانی ذکر شد، پیامبر ﷺ از سوره‌هایی - مانند سوره حمد - یاد کرده که محتوای آنها در هیچ کدام از کتب آسمانی پیشین نیامده است؛ پس چگونه محتوای سوره‌های قرآن با محتوای این کتاب‌ها مقایسه شده و به آنها تشبیه می‌شود؟! همه معیارهایی که ذکر شد - مانند مخالفت روایت با عقل، قرآن و سنت متواتره - از جمله معیارهای تشخیص روایات موضوع می‌باشد (بستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵ و نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۸۹-۱۱۳).

نتیجه‌گیری

بررسی‌های سندی روایات تنظیر در بعضی از سوره‌های قرآن با کتب عهدین نشان داد که هیچ‌یک از روایات، سند متقن نداشته، اکثراً ضعیف هستند و سند صحیحی برای آنها یافت نمی‌شود. کثرت تفاوت و اختلاف در الفاظ این روایات، شک و تردید در صحت صدور اصل آنها را افزایش می‌دهد. علاوه بر اضطراب فراوان در

الفاظ این روایات و نیز مخالفت آنها با واقعیت محتوایی سوره‌های قرآن، مدلول آنها نیز، هم با عقل، هم با قرآن کریم و هم با سنت متواتر منقول از پیامبر ﷺ، مخالف است و هر سه مورد، از اوصاف روایات موضوعه و جعلی است. با توجه به قلت منابع اولیه گزارش دهنده این روایات، احتمال جعل این روایات با انگیزه‌های مختلفی همچون کسب شهرت، غلبه در مناظرات با اهل کتاب به منظور اثبات برتری قرآن کریم نسبت به کتب آسمانی آنها و کسب افتخار نقل احادیث تازه، بالاست. مطلب دیگر آن است که این روایات در صحاح شش‌گانه اهل سنت یافت نمی‌شود و همین موضوع، موجب فزونی شک و تردید نسبت به صدور این روایات می‌شود.

در نتیجه با توجه به همه موارد ذکر شده، نمی‌توان به سادگی این روایات را صحیح الصدور دانست و باید بر آنها توقف کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم؛

۱. آلوسی، شهاب‌الدین، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۲۷۱ ق)، العرج و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛
۳. _____، (۱۳۹۷ ق)، المراسیل، تحقیق شکرالله نعمه الله قوجانی، بیروت، نشر مؤسسه الرساله؛
۴. ابن حبان، محمد، (۱۳۹۳ ق)، الثقات، حیدرآباد دکن هند، نشر دائره المعارف العثمانیه؛
۵. _____، (۱۳۹۶ ق)، المجروحین من المحدثین، تحقیق محمد ابراهیم زاید، حلب، نشر دار الوعی؛
۶. ابن حنبل، احمد، (۱۴۲۱ ق)، المسند، تحقیق شعيب الارنؤوط و عادل مرشد و آخرو، بیروت، نشر مؤسسه الرساله؛
۷. ابن شاهین، عمر، (۱۴۰۴ ق)، تاریخ اسماء الثقات، تحقیق صبحی السامرائی، کویت، نشر دار السلفیه؛
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، نشر دار الجیل؛
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۲۶ ق)، تهذیب التهذیب، هند، مطبعه دائره المعارف النظامیه؛
۱۰. _____، (۱۴۱۵ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عدل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه؛

۱۱. _____، (۲۰۰۲ م)، *لسان المیزان*، تحقیق عدل عبدالفتاح ابو غده، (بی جا)، نشر دار البشائر الاسلامیه؛
۱۲. _____، (۱۴۰۳ ق)، *تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس*، تحقیق، عاصم بن عبدالله القریونی، اردن، مکتبه المنار؛
۱۳. ابن داوود حلی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ ش)، *الرجال*، تهران، نشر دانشگاه تهران؛
۱۴. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۱۵. ابن ضریس، محمد بن ایوب، (۱۴۰۸ ق)، *فضائل القرآن*، تحقیق غزوه بدیر، دمشق، نشر دار الفکر؛
۱۶. ابن عدی، ابواحمد جرجانی، (۱۴۱۸ ق)، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق: عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۱۷. ابن غضائری، احمد بن حسین، (۱۳۶۴ ش)، *الرجال لابن الغضائری*، تحقیق محمد رضا حسینی، قم، نشر دار الحدیث؛
۱۸. ابن معین، یحیی، (۱۳۹۹ ق)، *تاریخ ابن معین (روایه الدوری)*، تحقیق د. احمد محمد نور سیف، مکه مکرمه، نشر مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی؛
۱۹. _____، (بی تا)، *تاریخ (روایه الدارمی)*، تحقیق د. احمد محمد نور سیف، دمشق، دار المامون للتراث؛
۲۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۲ ق)، *مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر*، تحقیق روحیه النحاس و ریاض عبدالحمید مراد و محمد مطیع، دمشق، دار الفکر؛
۲۱. ابونعیم، احمد بن عبد الله اصفهانی، (۱۴۰۶ ق)، *دلائل النبوه*، تحقیق، محمد رواس قلعه جی و عبدالبر عباس، چاپ ۲، بیروت، نشر دار النفائس؛

۲۲. احمدی، بتول، سهیلا پیروزفر و عباس اسماعیلی زاده، (۱۳۹۵ ش)، «ارزیابی روایات تقسیمات چهارگانه قرآن»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ش ۲؛
۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۳۹۶ ق)، الضعفاء الصغیر، تحقیق محمود ابراهیم زاید، حلب، نشر دار الوعی؛
۲۴. بستانی، قاسم، (۱۳۸۶ ش)، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز، نشر رسش؛
۲۵. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۱۷ ق)، معالم التنزیل، تحقیق محمد عبدالله النمر و عثمان جمعه ضمیریه، چاپ ۴، (بی‌جا)، دار طیبه؛
۲۶. ترمذی، محمد بن عیسی، (بی‌تا)، سنن الترمذی، تحقیق محمد شاکر و آخرون، (بی‌جا)، دار احیاء التراث العربی؛
۲۷. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق محمد بن عاشور، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۲۸. جمعی از مولفین، (۲۰۰۱ م)، موسوعه اقوال ابی الحسن الدار قطنی فی رجال الحدیث و علله، بیروت، عالم الکتب للنشر و التوزیع؛
۲۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۳۰. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ ق)، رجال علامه حلی، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، نشر دار الذخائر؛
۳۱. خازن، علی بن محمد بغدادی، (۱۳۹۹ ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر خازن)، بیروت، دار الفکر؛
۳۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۱ ش)، مقدمه‌ای بر علم رجال (ترجمه و تحقیق

مقدمه معجم رجال الحديث)، ترجمه و تحقیق عبدالهادی فقهی زاده، چاپ ۲، تهران،
موسسه انتشارات امیر کبیر؛

۳۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحديث، (بی جا)، (بی نا)؛

۳۴. دارقطنی، علی بن عمر، (۱۴۰۳ ق)، الضعفاء والمتروکون، مدینه منوره، نشر مجله
الجامعه الاسلامیه؛

۳۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۰۷ ق)، سنن الدارمی، تحقیق فواز احمد
زمرلی و خالد السبع العلمی، بیروت، دار الكتاب العربی؛

۳۶. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، (۱۳۸۲ ق)، میزان الاعتدال فی نقد
الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه؛

۳۷. _____، (۱۳۸۷ ق)، دیوان الضعفاء، تحقیق حماد بن محمد الانصاری،
چاپ ۲، مکه، نشر مکتبه النهضه الحديثه؛

۳۸. _____، (۱۴۰۵ ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق مجموعه محققان، چاپ
۳، (بی جا)، نشر موسسه الرساله؛

۳۹. _____، (۱۴۰۶ ق)، ذکر اسماء من تکلم فيه و هو موثق، تحقیق محمد
شکور بن محمود المیادینی، (بی جا)، (بی نا)؛

۴۰. _____، (۲۰۰۳ م)، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام،
تحقیق، بشار عواد معروف، (بی جا)، دار الغرب الاسلامی؛

۴۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۷۷ ش)، «دروغ پردازان در حوزه حدیث
اهل سنت»، مجله علوم حدیث، ش ۸؛

۴۲. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، (۱۴۱۷ ق)، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه
بالمناح المحمدیه، بیروت، دار الکتب العلمیه؛

۴۳. سودونی حنفی، زین الدین بن قاسم، (۱۴۳۲ ق)، الثقات ممن لم يقع فی

- الكتب الستة، تحقيق شادی بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء، نشر مركز النعمان للبحوث؛
۴۴. سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، *اسماء المدلسین*، تحقيق محمود حسن نصار، بیروت، دار الجیل؛
۴۵. شحود، علی بن نایف، (بی تا)، *موسوعه البحوث و المقالات العلمیه*، (بی جا)، (بی نا)؛
۴۶. شوشاوی، حسین بن علی، (بی تا)، *تنبيه العطشان علی مورد الظمان فی الرسم القرآن*، (بی جا)، (بی نا)؛
۴۷. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق)، *فتح القدير*، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب؛
۴۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا)، *تفسير المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم؛
۴۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۰۵ ق)، *مسند الشاميين*، تحقيق حمدي بن عبد المجيد السلفی، بیروت، نشر موسسه الرساله؛
۵۰. _____، (بی تا)، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدي بن عبد المجيد السلفی، چاپ ۲، قاهره، نشر مکتبه ابن تیمیه؛
۵۱. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقيق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی؛
۵۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۰ ق)، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، تحقيق احمد محمد شاکر، (بی جا)، نشر موسسه الرساله؛
۵۳. طرهونی، محمد بن رزق، (بی تا)، *الاحادیث الثابته فی فضائل و سور و آیات القرآن*، (بی جا)، (بی نا)؛

۵۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ ش)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۵۵. _____، (بی تا)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، قم، نشر مکتبه الطباطبایی؛
۵۶. طایلسی، سلیمان بن داوود، (۱۴۱۹ ش)، مسند ابی داوود، تحقیق محمد بن عبدالمحسن التركي، مصر، نشر هجر للطباعة و النشر؛
۵۷. عتیبی، محمد بن سلیمان، (۱۴۱۰ ق)، الرسل و الرسالات، چاپ ۴، کویت، مکتبه الفلاح و دار النفائس؛
۵۸. عجللی، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۵ ق)، تاریخ الثقات، (بی جا)، نشر دار الباز؛
۵۹. عقیلی، محمد بن عمرو، (۱۴۰۴ ق)، الضعفاء الکبیر، بیروت، دار المکتبه العلمیه؛
۶۰. علائی، خلیل بن کیکلدی، (۱۴۰۷ ق)، جامع التحصیل فی احکام المراسیل، تحقیق حمد عبدالمجید سلفی، چاپ ۲، بیروت، نشر عالم الکتب؛
۶۱. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، تفسیر عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر المطبعه العلمیه؛
۶۲. قرطبی، شمس الدین ابو عبدالله، (۱۳۸۴ ق)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، تحقیق احمد البردونی و ابراهیم اطفیش، چاپ ۲، مصر، دار الکتب المصریه؛
۶۳. کلاباذی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ ق)، الهدایه و الارشاد فی معرفه اهل الثقه و السداد، تحقیق عبدالله الیثی، بیروت، نشر دار المعرفه؛
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه؛
۶۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی؛

۶۶. _____، (۱۴۰۴ ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه؛
۶۷. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، *روضه المتقین*، تحقیق حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم، نشر موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور؛
۶۸. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، *تفسیر المراغی*، قاهره، نشر شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابي الحلبي و اولاده بمصر؛
۶۹. مزى، يوسف بن عبدالرحمن، (۱۴۰۰ ق)، *تهذيب الكمال فی اسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، نشر موسسه الرساله؛
۷۰. منصوری، نایف بن صلاح، (بی تا)، *ارشاد القاصی و الدانی الی تراجم شیوخ الطبرانی*، تقدیم سعد بن عبدالحمید، الرياض، الامارات، نشر دار الکیان و مکتبه ابن تیمیه؛
۷۱. نسایی، احمد بن شعیب، (۱۳۹۶ ق)، *الضعفاء و المتروکون*، حلب، نشر دار الوعی؛
۷۲. _____، (۱۴۱۱ ق)، *سنن النسائی*، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، (بی جا)، دار الکتب العلمیه؛
۷۳. _____، (۱۴۲۳ ق)، *مشيخه النسائی*، تحقیق شریف حاتم بن عارف العونی، مکه المکرمه، دار عالم الفوائد؛
۷۴. نفیسی، شادی، (۱۳۹۱ ش)، *درایه الحدیث*، بازپژوهی مصطلحات حدیثی فریقین، تهران، انتشارات سمت؛
۷۵. نووی جاوی، محمد بن عمر، (۱۴۱۷ ق)، *مراح لبید لکشف معنی القرآن*، المجید، تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه؛
۷۶. نیل ساز، نصرت، (۱۳۹۰ ش)، «تاریخ گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات اسلامی خاورشناسان»، *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*، ش ۱؛